

فصل اول: کلیات پژوهش

۱.۱. مقدمه

پروژه‌ها در فضای امروز کسب‌وکار و توسعه، دیگر صرفاً مجموعه‌ای از فعالیت‌های فنی و اجرایی نیستند، بلکه نظام‌هایی پیچیده از روابط قراردادی، تعهدات مالی، جریان‌های اطلاعاتی و تعاملات چندجانبه میان ذی‌نفعان مختلف به شمار می‌آیند. در این میان، انتخاب نوع قرارداد و شیوه تخصیص مسئولیت‌ها و ریسک‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا ناکامی پروژه دارد. یکی از رایج‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین الگوهای قراردادی در اجرای پروژه‌ها، قراردادهای EPC¹ است که در آن مسئولیت طراحی، تدارکات و اجرا به‌صورت یکپارچه به پیمانکار واگذار می‌شود. این یکپارچگی اگرچه می‌تواند مزایایی همچون کاهش تداخلات اجرایی، تسریع در هماهنگی و تمرکز مسئولیت را به همراه داشته باشد، اما هم‌زمان می‌تواند زمینه بروز ابهام‌های تفسیری، اختلاف در تخصیص ریسک، و تعارض در برداشت از تعهدات قراردادی را نیز افزایش دهد. اهمیت این موضوع در پروژه‌هایی که با تأمین مالی بخش خصوصی اجرا می‌شوند، دوچندان است. در این نوع پروژه‌ها، کارایی اقتصادی، قابلیت پیش‌بینی هزینه و زمان، بازگشت سرمایه، و کنترل ریسک‌های قراردادی از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا هرگونه اختلال در اجرای پروژه، تأخیر در انجام تعهدات، تغییر در دامنه کار، یا افزایش هزینه‌ها می‌تواند مستقیماً بر منافع مالی سرمایه‌گذاران و طرف‌های قراردادی اثر بگذارد. در چنین شرایطی، قرارداد EPC صرفاً یک سند حقوقی برای تعیین تعهدات طرفین نیست، بلکه ابزاری برای توزیع ریسک، تنظیم منافع، پیشگیری از اختلاف و هدایت تعاملات اجرایی در طول چرخه حیات پروژه محسوب می‌شود. با این حال، تجربه پروژه‌های گوناگون نشان داده است که حتی در صورت وجود قراردادهای نسبتاً جامع، نبود شفافیت کافی در اسناد، ضعف در مستندسازی، تأخیر در اعلام مطالبات، نارسایی در مدیریت تغییرات، و برداشت‌های متفاوت از بندهای قراردادی می‌تواند به شکل‌گیری ادعا و در نهایت دعوی منجر شود.

در ادبیات مدیریت پروژه و مدیریت قرارداد، ادعا معمولاً به‌عنوان یک مطالبه رسمی یا نیمه‌رسمی ناشی از برداشت متفاوت نسبت به حقوق، تعهدات، تغییرات، خسارات، تأخیرها یا هزینه‌های اضافی تعریف می‌شود. ادعا لزوماً به معنای بروز یک اختلاف تثبیت‌شده نیست، بلکه می‌تواند مرحله‌ای اولیه در فرایند تعارض قراردادی باشد. در مقابل، دعوی زمانی شکل می‌گیرد که ادعا از مسیرهای عادی بررسی، مذاکره یا حل‌وفصل عبور نکرده و به مرحله‌ای رسمی‌تر از اختلاف برسد. از این منظر، ادعا و دعوی را باید نه به‌عنوان رویدادهایی ناگهانی و منفصل، بلکه به‌عنوان بخشی از یک فرایند تدریجی در مدیریت ناکارآمد روابط قراردادی در نظر گرفت؛ فرایندی که معمولاً از ابهام، تغییر، تأخیر، ضعف مستندات یا تفسیرهای متعارض آغاز می‌شود و در صورت نبود سازوکارهای مناسب، به منازعه‌ای پرهزینه و زمان‌بر تبدیل می‌گردد.

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران از نگاه صرفاً واکنشی به دعاوی، به سمت رویکردی تحلیلی و پیشگیرانه تغییر یافته است. در این رویکرد، به جای آنکه ادعا و دعوی صرفاً در مرحله بروز اختلاف بررسی شوند، تلاش می‌شود عوامل زمینه‌ساز آن‌ها در ساختار قرارداد، نظام مدیریت پروژه، شیوه مستندسازی، کنترل تغییرات، سازوکار اطلاع‌رسانی و زمینه حقوقی پروژه شناسایی شوند. همچنین توسعه ابزارهای نوین تحلیل اسناد، تحلیل محتوای متون قراردادی و حتی مدل‌های مبتنی بر پردازش زبان طبیعی، نشان می‌دهد که مطالعه دعاوی و ادعاها بیش از گذشته به حوزه‌ای میان‌رشته‌ای تبدیل شده که از حقوق قراردادهای، مدیریت پروژه، مدیریت ریسک و تحلیل اسنادی تغذیه می‌کند. این تحول برای پژوهش حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا روش مطالعه نیز مبتنی بر تحلیل کیفی اسناد و منابع مکتوب است و نه گردآوری داده از طریق مصاحبه یا پرسشنامه.

¹ Engineering, Procurement, and Construction

در بستر ایران و خاورمیانه، مسئله ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC با پیچیدگی بیشتری همراه است. تنوع نظام‌های حقوقی، تفاوت در رویه‌های قراردادی، نوسانات اقتصادی، چالش‌های مرتبط با زمان‌بندی و هزینه، و در برخی موارد ضعف در بلوغ سازمانی مدیریت قرارداد، همگی موجب می‌شوند که روابط قراردادی در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی در معرض تعارض بیشتری قرار گیرند. از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات موجود یا بر پروژه‌های عمومی متمرکز بوده‌اند، یا مسئله اختلافات را به صورت کلی بررسی کرده‌اند، و یا تمرکز کافی بر پیوند میان قراردادهای EPC، تأمین مالی خصوصی، و فرایند شکل‌گیری ادعا و دعوی نداشته‌اند. بنابراین، همچنان نیاز به پژوهشی وجود دارد که با تکیه بر منابع جدید، اسناد و ادبیات تخصصی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا و دعاوی را در این نوع پروژه‌ها تحلیل کرده و در نهایت، چارچوبی مفهومی برای مدیریت ادعا ارائه دهد. بر این اساس، فصل حاضر با هدف تبیین کلیات پژوهش تنظیم شده است. در این فصل، پس از مقدمه، بیان مسئله پژوهش مطرح می‌شود و سپس اهمیت و ضرورت انجام تحقیق، اهداف، پرسش‌های پژوهش، نوآوری، روش کلی مطالعه، مدل مفهومی اولیه، تعاریف مفهومی و عملیاتی، قلمرو پژوهش، مفروضات، محدودیت‌ها و ساختار کلی پایان‌نامه ارائه خواهد شد. منطق حاکم بر این فصل آن است که نشان دهد چرا مطالعه ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی، به‌ویژه در ایران و خاورمیانه، از منظر علمی و کاربردی اهمیت دارد و چگونه می‌توان با رویکردی کیفی و مبتنی بر تحلیل اسناد، به فهمی منسجم‌تر از عوامل شکل‌دهنده این پدیده دست یافت.

۱. بیان مسئله

قراردادهای «مهندسی، تدارکات و اجرا» (EPC) در دهه‌های اخیر به یکی از رایج‌ترین قالب‌های تحویل پروژه تبدیل شده‌اند؛ زیرا کارفرما با واگذاری یکپارچه مسئولیت طراحی، خرید و اجرا به پیمانکار، انتظار دارد ریسک‌های هماهنگی، افزایش هزینه و تأخیر کاهش یابد و کنترل پروژه ساده‌تر شود. با وجود این منطق، تجربه عملی پروژه‌ها و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که EPC لزوماً به معنای «کاهش تعارض» نیست؛ بلکه به دلیل ماهیت چندلایه و بین‌رشته‌ای خود (تلاقی طراحی، تأمین، ساخت، راه‌اندازی و تحویل)، می‌تواند محیطی مستعد برای شکل‌گیری اختلافات قراردادی باشد. در این قراردادها، بخش قابل توجهی از تعارضات نه از «عدم انجام کار» بلکه از «تفاوت در تفسیر تعهدات»، «تغییرات حین اجرا»، «ابهام در مرز مسئولیت‌ها»، و «نارسایی‌های مستندسازی و اطلاع‌رسانی به موقع» ایجاد می‌شود (Enaba, 2022; Buildings, 2024 & Marzouk).

این مسئله در پروژه‌هایی که با تأمین مالی بخش خصوصی اجرا می‌شوند، ابعاد جدی‌تری می‌یابد. در مدل‌های دارای سرمایه‌گذاری خصوصی، پروژه از ابتدا با منطق اقتصادی مشخص (زمان بهره‌برداری، جریان نقدی، نرخ بازگشت سرمایه و تعهدات مالی) تعریف می‌شود؛ بنابراین انحراف‌های زمانی و هزینه‌ای صرفاً یک «مسئله اجرایی» نیستند، بلکه می‌توانند ماهیت اقتصادی پروژه را تحت تأثیر قرار دهند و حتی باعث بروز ریسک‌های اعتباری، اختلاف بین شرکا، یا توقف پروژه شوند. از این منظر، «ادعا و دعوی» در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی، فقط یک رخداد حقوقی نیست؛ بلکه شاخصی از ناکارآمدی در طراحی سازوکارهای کنترل ریسک، تخصیص مسئولیت، و مدیریت قرارداد محسوب می‌شود (ECAM, 2024).

در ادبیات مدیریت قرارداد و حل اختلافات، ادعا^۲ معمولاً به مطالبه‌ای مستند و قابل طرح از سوی یکی از طرفین گفته می‌شود که مبنای قراردادی/قانونی/مستندسازی شده برای درخواست «هزینه یا زمان اضافی» یا «جبران خسارت» دارد. ادعا می‌تواند در چارچوب مکاتبات پروژه، صورت جلسه‌ها، دستورکارها و گزارش‌های تأخیر مطرح شود و الزاماً به معنای خصومت یا مناقشه نیست. در مقابل، دعوی^۳ زمانی رخ می‌دهد که ادعا توسط طرف مقابل رد شود، یا حل و فصل آن به بن‌بست برسد و اختلاف به سطح رسمی‌تری مانند هیئت حل اختلاف، داوری یا دادگاه انتقال یابد (ASCE, 2024). بنابراین، مسئله اصلی در پروژه‌های EPC آن است که چه مکانیسم‌ها و چه عوامل زمینه‌ای باعث می‌شوند ادعاهای قابل مدیریت، به دعاوی پرهزینه و فرسایشی تبدیل شوند؟ و چگونه می‌توان با رویکردی پیشگیرانه، «چرخه تشدید اختلاف» را قبل از ورود به مرحله دعوی متوقف کرد؟

^۲ Claim
^۳ Dispute

بررسی پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد ادعاها معمولاً در EPC از چند منشأ کلیدی سرچشمه می‌گیرند که هر کدام به‌نوعی در «اسناد قراردادی» و «مدارک پروژه» قابل ردیابی‌اند و با روش تحلیل اسنادی می‌توان آن‌ها را استخراج و طبقه‌بندی کرد:

-ابهام در دامنه کار و اسناد پایه^۴

اگر شرح خدمات، مرز مسئولیت‌ها، معیارهای پذیرش^۵، یا فرضیات طراحی به‌قدر کافی دقیق نباشد، اختلافات تفسیری به‌سرعت به ادعا تبدیل می‌شوند؛ به‌خصوص وقتی پیمانکار ادعا کند کاری خارج از قیمت مقطوع بوده یا نیازمند تغییر رسمی است (Enaba, 2022 & Marzouk).

-تغییرات^۶

در EPC تغییرات می‌تواند ناشی از اصلاح طراحی، محدودیت‌های بازار تأمین، الزامات کارفرما، یا شرایط سایت باشد. اگر «فرایند مدیریت تغییر» (ثبت، قیمت‌گذاری، ارزیابی اثر زمانی، تأیید، و اصلاح برنامه) ناقص باشد، تغییرات به ادعاهای متراکم تبدیل می‌شوند. پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهند تغییرات یکی از ریشه‌های اصلی ادعاهای هزینه و زمان است (Buildings, 2024).

-ادعاهای تأخیر و پیچیدگی‌های^۷

یکی از چالش‌های کلاسیک دعاوی، تحلیل تأخیر و خصوصاً مفهوم «تأخیر همزمان»^۸ است. در پروژه‌های خصوصی، فشار بهره‌برداری و تحویل به‌موقع سبب می‌شود اختلاف بر سر علت تأخیر، زود به دعوی تبدیل شود؛ به‌ویژه اگر برنامه زمان‌بندی مبنا^۹ دقیق نباشد یا به‌روزرسانی‌های منظم و قابل اتکا وجود نداشته باشد (Buildings, 2024).

Scope/Employer's Requirements^۴
Acceptance Criteria^۵
Variation / Change Orders^۶
Delay Analysis^۷
Concurrent Delays^۸
Baseline^۹

-ریسک‌های تدارکات، زنجیره تأمین و قیمت‌ها

EPC به‌شدت به تدارکات وابسته است. تغییر قیمت‌ها، تأخیر در خرید، عدم انطباق کالا با مشخصات، یا محدودیت‌های تأمین می‌تواند مبنای ادعا شود. این موارد معمولاً در مکاتبات خرید، RFQ^{۱۰}، گزارش‌های بازرسی و NCR^{۱۱}ها (عدم انطباق) منعکس می‌شود و قابل تحلیل اسنادی است (Enaba, & Marzouk, 2022).

-ضعف در مستندسازی و مدیریت مکاتبات

حتی ادعاهای «موجه» اگر به‌موقع و با مدارک کافی ارائه نشوند، یا اگر روایت زمانی رویدادها در اسناد پروژه ناقص باشد، به اختلافات سخت‌تر و پرهزینه‌تر تبدیل می‌شوند. ادبیات جدید حتی به سمت استفاده از تحلیل متن و روش‌های پردازش زبان طبیعی برای کشف الگوهای اختلاف در اسناد پروژه رفته است که نشان‌دهنده اهمیت «داده‌های مستندی» در مدیریت ادعاست (Expert Systems with Applications, 2024).

در سال‌های اخیر، یکی از محورهای مهم در دعاوی، بندهای «خطار»^{۱۲} و «سلب حق به‌علت عدم رعایت مهلت» (Time-Bar) بوده است. در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی و نیز قراردادهای اقتباسی در منطقه، پیمانکار باید ظرف مهلت مشخصی وقوع رویداد را اعلام کند؛ در غیر این صورت ممکن است حق ادعا از بین برود یا محدود شود. اختلاف بر سر قابلیت استناد این بندها—به‌ویژه در نظام‌های حقوقی متفاوت (کامن‌لا، حقوق نوشته، و حقوق اسلامی)—می‌تواند ادعا را از سطح مدیریتی به دعوی حقوقی منتقل کند (ASCE, 2024). بنابراین، یکی از ابعاد مسئله در ایران و خاورمیانه، تناسب و قابلیت اجرای عملی Time-Bar و نیز «بلوغ سازمانی» طرفین برای رعایت رویه‌های اعلان و مستندسازی است.

گرچه ادعا و دعوی در همه کشورها رخ می‌دهد، اما در ایران و خاورمیانه چند عامل زمینه‌ای احتمال تشدید اختلافات را افزایش می‌دهد:

- چندگانگی الگوهای قراردادی و اقتباس‌های ناهمگون: استفاده همزمان از الگوهای داخلی، الگوهای اقتباسی و شروط خاص پروژه باعث تفسیرپذیری بالا می‌شود.
- نوسانات اقتصادی و عدم قطعیت‌های بازار: این وضعیت، ادعاهای هزینه‌ای و زمانی را تشدید می‌کند و فشار بر پیمانکار و کارفرما را افزایش می‌دهد.

^{۱۰} Request for Quotation
^{۱۱} Non-Conformance Report
^{۱۲} Notice

• چالش‌های حاکمیت شرکتی در پروژه‌های خصوصی/مشارکتی: پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی معمولاً ذی‌نفعان بیشتری (سرمایه‌گذار، وام‌دهنده، شریک، پیمانکار، بهره‌بردار) دارند و همین تعدد، فرآیند تصمیم‌گیری و تغییرات را کند و اختلاف‌زا می‌کند.

• نارسایی رویه‌های مدیریت ادعا: مطالعات مرتبط با پروژه‌های مشارکتی در ایران نشان می‌دهد ریشه‌های اختلاف و راهبردهای پیشگیری، هنوز نیازمند تدوین و نهادینه‌سازی است (ECAM, 2024).

با وجود رشد ادبیات بین‌المللی درباره ادعاها و اختلافات، چند شکاف مهم برای حوزه مورد نظر این پژوهش قابل مشاهده است:

بسیاری از مطالعات به صورت کلی به «علل اختلافات ساخت» پرداخته‌اند، اما ترکیب سه مؤلفه EPC + تأمین مالی خصوصی + بافت ایران و خاورمیانه کمتر به صورت منسجم و چارچوب‌مند تحلیل شده است (ECAM, 2024). بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی بر پروژه‌های عمومی/عمرانی یا پیمان‌های سنتی تمرکز داشته‌اند و قابلیت تعمیم مستقیم به پروژه‌های خصوصی EPC محدود است. در سطح روش‌شناسی، اگرچه مصاحبه و پیمایش رایج‌اند، اما رویکرد تحلیل اسنادی نظام‌مند—به‌ویژه برای استخراج الگوهای ادعا از اسناد واقعی، پایان‌نامه‌ها، رویه‌های قراردادی، و مقالات تخصصی—کمتر به‌عنوان مسیر اصلی پژوهش به کار رفته است، در حالی که ادبیات جدید اهمیت تحلیل اسناد و حتی تحلیل متن را برجسته می‌کند (Expert Systems with Applications, 2024).

با توجه به آنچه گفته شد، مسئله محوری پژوهش حاضر این است که:

۱. چه عوامل قراردادی، مدیریتی-فرایندی، مالی-اقتصادی و حقوقی در قراردادهای EPC پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی، بستر شکل‌گیری ادعا را فراهم می‌کنند؟

۲. این عوامل چگونه و تحت چه شرایطی باعث می‌شوند ادعاها از سطح قابل مدیریت، به دعوی رسمی تبدیل شوند؟

۳. بر پایه تحلیل اسنادی منابع (۲۰۲۰-۲۰۲۶) و مستندات مکتوب مرتبط با ایران و خاورمیانه، چگونه می‌توان یک چارچوب مفهومی مدیریت ادعا ارائه داد که هم جنبه پیشگیرانه (پیش از ادعا) و هم جنبه کنترلی (پس از شکل‌گیری ادعا) را پوشش دهد؟

در نتیجه، پژوهش حاضر می‌کوشد با اتکا به ادبیات جدید و تحلیل کیفی اسناد (مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مدارک/رویه‌های قراردادی)، الگوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعا و تبدیل آن به دعوی را استخراج کند و سپس چارچوبی مفهومی ارائه دهد که بتواند به‌عنوان مبنایی برای بهبود مدیریت قرارداد در پروژه‌های EPC بخش خصوصی در ایران و خاورمیانه مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

در فضای رقابتی و پرریسک صنعت احداث، به‌ویژه در پروژه‌هایی که با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اجرا می‌شوند، «مدیریت قرارداد» دیگر صرفاً یک فعالیت اداری نیست، بلکه به یک استراتژی کلیدی برای حفظ بقای اقتصادی پروژه تبدیل شده است. ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در چهار سطح تحلیل کرد:

۱.۳.۱ ضرورت اقتصادی و مالی (حفظ سرمایه و سودآوری)

در پروژه‌های دارای تأمین مالی خصوصی (مانند مدل‌های BOO^{۱۳}، BOT^{۱۴} یا مشارکت‌های مدنی در بخش انرژی و صنعت)، زمان و هزینه، دو رکن اصلی مدل مالی پروژه^{۱۵} هستند. هرگونه «ادعا» که منجر به هزینه اضافی یا تأخیر در تاریخ بهره‌برداری شود، مستقیماً نرخ بازگشت سرمایه (IRR^{۱۶}) را کاهش داده و توانایی پروژه در بازپرداخت وام‌ها را مختل می‌کند. اهمیت این پژوهش در این است که با شناسایی ریشه‌های ادعا، به سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی کمک می‌کند تا ریسک‌های قراردادی را بهتر پیش‌بینی کرده و از «نشت مالی» ناشی از دعاوی طولانی‌مدت جلوگیری کنند. در واقع، مدیریت ادعا در اینجا ابزاری برای صیانت از جریان نقدی^{۱۷} پروژه است (Sustainability, 2022).

۱.۳.۲ ضرورت مدیریتی و اجرایی (بهبود بهره‌وری پروژه)

قراردادهای EPC به دلیل یکپارچگی مسئولیت، انتظار کارایی بالایی را ایجاد می‌کنند؛ اما شکل‌گیری دعاوی معمولاً باعث فرسایش تیم‌های مدیریتی، توقف تصمیم‌گیری‌های کلیدی و ایجاد فضای بی‌اعتمادی بین پیمانکار و کارفرما می‌شود. ضرورت این پژوهش در ارائه یک چارچوب مفهومی است که به مدیران پروژه اجازه می‌دهد به جای رویکرد «انفعالی و قضایی» به ادعاها، رویکردی «پیشگیرانه و مستندمحور» اتخاذ کنند. با استفاده از تحلیل

^{۱۳} Build, Own, Operate

^{۱۴} Build, Operate, Transfer

^{۱۵} Financial Model

^{۱۶} Internal Rate of Return

^{۱۷} Cash Flow

اسنادی، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با مستندسازی دقیق و مدیریت مکاتبات، از تبدیل یک اختلاف کوچک به یک بحران پروژه‌ای جلوگیری کرد (Buildings, 2024).

۱.۳.۳ ضرورت حقوقی و قراردادی (امنیت قضایی و داوری)

در بافت حقوقی ایران و خاورمیانه، به دلیل پیچیدگی‌های تعامل حقوق مدنی با اصول قراردادهای بین‌المللی (مانند FIDIC¹⁸)، بسیاری از دعاوی به دلیل عدم رعایت تشریفات قراردادی (مانند بندهای Time-Bar) یا نبود مدارک کافی رد می‌شوند.

اهمیت این پژوهش در واکاوی قابلیت استناد این بندها و تبیین اهمیت «اعلان‌های به‌موقع» است. این تحقیق به حقوقدانان و مدیران قرارداد کمک می‌کند تا شکاف‌های موجود در متون قراردادی EPC بخش خصوصی را شناسایی کرده و با تدوین چارچوب‌های استاندارد، امنیت حقوقی طرفین را ارتقا دهند (ASCE, 2024).

۱.۳.۴ ضرورت علمی و خلأ پژوهشی (توسعه دانش مدیریت قرارداد)

اگرچه ادبیات گسترده‌ای در زمینه علل تأخیر در پروژه‌های دولتی وجود دارد، اما پروژه‌های EPC بخش خصوصی در ایران و خاورمیانه با چالش‌های منحصر به فردی نظیر محدودیت‌های تأمین مالی بین‌المللی، نوسانات ارزی شدید و خلأهای قانونی در مشارکت‌های خصوصی-عمومی مواجه هستند. ضرورت علمی این تحقیق در پر کردن این شکاف دانشی با استفاده از متدولوژی تحلیل کیفی اسنادی^{۱۹} است. این روش به پژوهش اجازه می‌دهد تا فراتر از نظرات شخصی (در مصاحبه‌ها)، به «واقعیت‌های ثبت‌شده» در اسناد، رویه‌های قضایی و متون تخصصی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ دست یابد و مدلی منطبق بر واقعیت‌های روز ارائه دهد (ECAM, 2024).

۱.۳.۵ ضرورت راهبردی برای منطقه (تاب‌آوری در پروژه‌های زیرساختی)

ایران و کشورهای خاورمیانه در حال گذار از پروژه‌های تمام‌دولتی به سمت جذب سرمایه‌های خصوصی برای توسعه زیرساخت‌های نفت، گاز، نیرو و صنعت هستند. موفقیت این گذار در گرو وجود یک «محیط قراردادی امن و بدون دعوی» است. این پژوهش از این منظر اهمیت راهبردی دارد که با ارائه راهکارهای مدیریت ادعا، به افزایش تاب‌آوری پروژه‌ها و جذابیت محیط سرمایه‌گذاری در منطقه کمک می‌کند.

۱.۴ اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش

تحلیل عوامل مؤثر بر شکل گیری دعاوی در قراردادهای پروژه های غیر عمرانی (غیردولتی) و ارائه چهارچوب مفهومی برای مدیریت ادعا

اهداف فرعی پژوهش

۱. شناسایی عوامل قراردادی مؤثر بر شکل گیری ادعا و دعاوی در قراردادهای EPC پروژه های دارای تأمین مالی بخش خصوصی .
۲. شناسایی عوامل مدیریتی و اجرایی مؤثر بر بروز ادعاها، از جمله ضعف در برنامه ریزی، کنترل تغییرات، مستندسازی و مدیریت مکاتبات .
۳. بررسی عوامل مالی و اقتصادی مؤثر بر ایجاد ادعا و دعوی، از جمله مشکلات نقدینگی، نوسانات قیمت، تأخیر در پرداخت ها و فشارهای ناشی از ساختار تأمین مالی خصوصی .
۴. تحلیل عوامل حقوقی و قراردادی مانند ابهام در تخصیص ریسک، بندهای اعلان ادعا، Time-Bar و سازوکارهای حل اختلاف .
۵. بررسی نقش اسناد و مدارک پروژه در شناسایی، اثبات و مدیریت ادعاها با تکیه بر رویکرد تحلیل اسنادی .
۶. استخراج الگوهای تکرارشونده ادعا و دعوی از منابع علمی، حرفه ای و اسناد مرتبط در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ .
۷. تبیین روابط میان عوامل شناسایی شده و نحوه تبدیل ادعا به دعوی در بستر پروژه های EPC بخش خصوصی .
۸. ارائه چارچوب مفهومی مدیریت ادعا با رویکرد پیشگیرانه، کنترلی و حل و فصل محور برای پروژه های مورد مطالعه.

۱.۵ پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی عوامل موثر بر شکل‌گیری دعاوی در قراردادهای پروژه‌های غیر عمرانی (غیردولتی) و ارائه چهارچوب مفهومی برای مدیریت ادعا را طراحی کرد؟ چگونه می‌توان

پرسش‌های فرعی

۱. عوامل قراردادی و سندی: بر اساس تحلیل اسناد و ادبیات تخصصی، کدام ابهامات در شرح خدمات (Scope) و تخصیص ریسک‌ها در قراردادهای EPC بیشترین نقش را در شکل‌گیری ادعاها دارند؟
۲. عوامل مدیریتی و اجرایی: ضعف در فرآیندهای مدیریت تغییرات (Change Management) و مدیریت مستندات (Document Control) چگونه بستر تبدیل یک ادعا به دعوی رسمی را فراهم می‌کند؟
۳. عوامل مالی و ساختاری: ساختار تأمین مالی بخش خصوصی (مانند فشار جریان نقدی و تعهدات بانکی) چه تأثیری بر الگوهای رفتاری طرفین در طرح یا پذیرش ادعاها دارد؟
۴. عوامل حقوقی و زمانی: نقش بندهای محدودیت زمانی^{۲۰} و الزامات اخطار^{۲۱} در رد یا پذیرش ادعاها در نظام حقوقی ایران و خاورمیانه چیست؟
۵. عوامل محیطی و منطقه‌ای: نوسانات اقتصادی و چالش‌های سیاسی-اجتماعی در منطقه ایران و خاورمیانه چگونه باعث تشدید دعاوی در پروژه‌های EPC خصوصی می‌شوند؟
۶. تحلیل اسنادی: الگوهای تکرارشونده در اسناد دعاوی و رویه‌های قضایی/داوری (۲۰۲۰-۲۰۲۶) چه راهکارهایی را برای پیش‌بینی و پیشگیری از ادعاها پیشنهاد می‌دهند؟
۷. چارچوب مفهومی: مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی یک چارچوب جامع برای «مدیریت ادعا» که هم جنبه پیشگیرانه (قبل از بروز) و هم جنبه حل‌وفصل (بعد از بروز) داشته باشد، چیست؟

^{۲۰} Time-Bar Clauses
^{۲۱} Notice Requirements

۱.۶ جنبه‌های نوآوری پژوهش

نوآوری این پژوهش در مقایسه با مطالعات پیشین در حوزه‌ی مدیریت ادعا و قراردادهای EPC، در محورهای زیر متبلور است:

۱.۶.۱ نوآوری در قلمرو موضوعی (تمرکز بر تأمین مالی خصوصی)

بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در ایران، بر پروژه‌های عمرانی با بودجه‌های دولتی (نشریه ۴۳۱۱) تمرکز داشته‌اند. نوآوری این تحقیق در تمرکز ویژه بر پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی است. در این پروژه‌ها، به دلیل حساسیت بالای جریان نقدی^{۲۲} و تعهدات بانکی، ماهیت ادعاها و استراتژی‌های مدیریت آن‌ها کاملاً با پروژه‌های دولتی متفاوت است. این پژوهش شکاف موجود در ادبیات مدیریت قراردادهای سرمایه‌گذاری محور در ایران را پوشش می‌دهد.

۱.۶.۲ نوآوری در رویکرد روش‌شناختی (تحلیل اسنادی نظام‌مند)

در حالی که اغلب پژوهش‌های این حوزه از روش‌های پیمایشی (پرسشنامه) یا مصاحبه‌های محدود استفاده می‌کنند، این پژوهش از روش تحلیل کیفی اسنادی (Document Analysis) بهره می‌برد. نوآوری این رویکرد در آن است که به جای تکیه بر «نظرات و ادراکات شخصی» افراد، بر «واقعیت‌های ثبت شده» در اسناد قراردادی، مکاتبات پروژه‌ای، رویه‌های داوری و متون تخصصی نوین (۲۰۲۰-۲۰۲۶) تمرکز می‌کند. این روش اجازه می‌دهد تا الگوهای واقعی منجر به دعوی، از دل مستندات استخراج شوند.

۱.۶.۳ نوآوری در قلمرو جغرافیایی و تطبیقی (ایران و خاورمیانه)

این پژوهش صرفاً به بافت داخلی ایران محدود نمی‌شود، بلکه با نگاهی وسیع‌تر، پروژه‌های EPC در خاورمیانه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. با توجه به حضور پیمانکاران بین‌المللی و استفاده از استانداردهایی نظیر FIDIC در منطقه، این رویکرد تطبیقی باعث می‌شود چارچوب نهایی پژوهش، فراتر از یک جغرافیای خاص، قابلیت تعمیم و استفاده در پروژه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را داشته باشد.

^{۲۲} Cash Flow

۱.۶.۷. نوآوری در خروجی (ارائه چارچوب مفهومی چندبعدی)

بسیاری از مطالعات تنها به شناسایی «عوامل بروز اختلافات» بسنده می‌کنند. نوآوری این پژوهش در ارائه یک چارچوب مفهومی جامع^{۲۳} است که سه حوزه «حقوق قراردادها»، «مدیریت پروژه» و «اقتصاد مهندسی» را با هم تلفیق می‌کند. این چارچوب نه تنها عوامل شکل‌گیری ادعا را شناسایی می‌کند، بلکه مسیرهای تبدیل ادعا به دعوی را ترسیم کرده و راهکارهای عملیاتی برای مدیریت پیشگیرانه^{۲۴} ارائه می‌دهد.

۱.۶.۸. نوآوری در بازه زمانی منابع (۲۰۲۰-۲۰۲۶)

استفاده از جدیدترین منابع علمی و حرفه‌ای بین‌المللی (از جمله مقالات سال ۲۰۲۴ و پیش‌بینی‌های سال ۲۰۲۶) نوآوری دیگری است که باعث می‌شود نتایج پژوهش با آخرین تحولات صنعت احداث (نظیر تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر مستندسازی و دعاوی نوین) همسو باشد.

۱.۷ ساختار پایان نامه

این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده و پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، در قالب یک ساختار منسجم و منطقی متشکل از پنج فصل سازمان‌دهی شده است. فرآیند انتقال از «مسئله» به «راهکار» در این فصول به شرح زیر تبیین می‌گردد:

فصل اول: کلیات پژوهش

این فصل به عنوان سنگ بنای تحقیق، به تبیین چارچوب کلی مطالعه می‌پردازد. در این بخش، ابتدا مقدمه‌ای بر اهمیت پروژه‌های EPC و حساسیت‌های تأمین مالی خصوصی ارائه شده و سپس بیان مسئله با تمرکز بر شکاف‌های موجود در مدیریت ادعا در ایران و خاورمیانه تشریح می‌گردد. همچنین اهداف، سؤالات، جنبه‌های نوآوری و تعاریف عملیاتی واژگان در این فصل ارائه می‌شوند تا مرزهای مفهومی پژوهش کاملاً شفاف گردد.

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این فصل با رویکردی جامع به بررسی ادبیات موضوعی در سه محور اصلی می‌پردازد:

۱. مبانی قراردادی و مالی: تحلیل ساختار قراردادهای EPC و ویژگی‌های منحصربه‌فرد پروژه‌های دارای تأمین مالی بخش خصوصی (Project Finance).
۲. ادبیات مدیریت ادعا و دعاوی: بررسی نظریات منشأ ادعا، فرآیندهای مدیریت اختلاف و نقش بندهای کلیدی (مانند Time-bar) در اسناد استاندارد.
۳. مرور نظام‌مند پیشینه (۲۰۲۰-۲۰۲۶): در این بخش، نتایج پژوهش‌های داخلی و به‌ویژه مطالعات گسترده خارجی در بازه زمانی اخیر مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا الگوهای تکرارشونده در شکل‌گیری دعاوی شناسایی شده و جایگاه این پژوهش در میان مطالعات پیشین تثبیت شود.

فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی این مطالعه، فصل سوم به تشریح دقیق روش تحلیل اسنادی (Document Analysis) اختصاص دارد. در این فصل، فرآیند شناسایی و انتخاب اسناد (شامل قراردادهای تیپ، مقالات علمی، متون حقوقی و گزارش‌های حرفه‌ای)، معیارهای ورود و خروج منابع، و مراحل کدگذاری داده‌ها تشریح می‌شود. همچنین استراتژی‌های تأمین روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی (بدون تکیه بر ابزارهای پیمایشی) در این فصل تبیین می‌گردد تا اعتبار نتایج تضمین شود.

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

این فصل هسته اصلی فرآیند تحقیق است که در آن داده‌های استخراج‌شده از اسناد، مورد واکاوی قرار می‌گیرند. در این بخش:

- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادعاها در چهار دسته اصلی (قراردادی، مدیریتی، مالی و محیطی) شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند.
- روابط میان این عوامل و نحوه تبدیل یک ادعای ساده به یک دعوی حقوقی پیچیده تحلیل می‌گردد.
- در نهایت، بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای اسناد، چارچوب مفهومی نهایی مدیریت ادعا که مختص پروژه‌های خصوصی در ایران و خاورمیانه است، طراحی و ارائه می‌شود.

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در فصل پایانی، یافته‌های پژوهش در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق جمع‌بندی می‌شوند. این فصل شامل ارائه پیشنهادات کاربردی و راهبردی برای کارفرمایان بخش خصوصی، پیمانکاران EPC و نهادهای مالی است. همچنین، محدودیت‌های پژوهش بیان شده و مسیرهای نوین برای تحقیقات آتی در این حوزه (با توجه به افق ۲۰۲۶) پیشنهاد می‌گردد.